

# Jaws PDF Creator

لِلْمُحْتَمِلِ  
EVALUATION  
VALUTAZIONE  
EVALUATION  
EVALUACIÓN  
EVALUATION

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

Jaws PDF Creator

EVALUATION

VALUTAZIONE

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته

EVALUATION

EVALUACIÓN

دانشگاه معماری دانشگاه بهمن اهواز

(جندی شاپور)

استاد راهنما

آقای دکتر علیرضا مستغنی

# Jaws PDF Creator

استاد شاور

آقای دکتر حمید ناصح خاکی

EVALUATION

پژوهش در نگارش

VALUTAZIONE

ذکر سیرت

EVALUATION

سیرت ۳۸۱

EVALUACIÓN

EVALUATION

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری



دانشگاه مازندران  
پایان نامه برای دریافت رتبه کارشناسی ارشد رشته معماری

# Jaws PDF Creator

دانشگاه معماری دانشگاه چمران اهواز

استاد راهنما

آقای دکتر علی رضا استادی

استاد مشاور

آقای دکتر حمید ناصر خاکی

پژوهش و نگارش

نسیم مهران

۱۳۸۸  
Jaws PDF Creator

EVALUATION

VALUTAZIONE

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
EVALUATION

EVALUACIÓN

دانشگاه  
EVALUATION

دانشکده معماری و شهرسازی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته

معماری

دانشکده معماری دانشگاه چمران اهواز

(جنیدی شاپور)

Jaws PDF Creator

EVALUATION  
استاد راهنما

VALUTAZIONE  
انتهای دکتر علی رضا استانی

EVALUATION  
استاد مشاور

EVALUACIÓN  
آقای، ترحمید، ناصر خانی

EVALUATION  
پژوهش و نگارش

نسیم مهران

شهریور ۱۳۸۸

# Jaws PDF Creator

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

EVALUATION  
VALUTAZIONE

دانشکده مهندسی و بهره‌سازی

بیان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته

مهندسی

EVALUACION  
EVALUATION

# دانشکده معماری دانشگاه چمران اهواز

استاد راهنما

آقای دکتر علیرضا مستغنی

# Jaws PDF Creator

استاد مشاور

آقای دکتر حمید ناصر خاکی

# EVALUATION

# VALUTAZIONE

پژوهش و کاربرد

# EVALUATION

نسخه مازان

# EVALUACIÓN

سرزور ۱۳۸۸

# EVALUATION



## ❖ فهرست مطالب

- گزیده

- مقدمه

- آموزش (مطالب)

۱-۱- آموزش معماری در ایران..... ۲

۱-۱-۱- بررسی سیر تحولات آموزش معماری در ایران..... ۲

۱-۱-۲- نقد آموزش کونی معماری در ایران..... ۴

۱-۱-۳- جمع بندی نتیجه گیری..... ۶

۲-۱- آموزش معماری در غرب..... ۷

۱-۲-۱- سیر تریزی تحولات آموزش معماری در غرب..... ۷

۲-۲-۱- بررسی نمونه هایی از شیوه آموزش در دانشگاه های خارج از ایران..... ۹

۳-۲-۱- جمع بندی و نتیجه گیری..... ۱۷

۳-۱- کیفیات نظام پیشنهادی آموزش معماری..... ۱۸

۱-۳-۱- سیاست های کلی پیشنهادی در آموزش معماری..... ۱۸

۲-۳-۱- ارائه سازخار پیشنهادی برای آموزش معماری..... ۲۲

۳-۳-۱- جمع بندی..... ۳۴

۲- بررسی محدود: طرح..... ۳۵

۱-۲- شهر و استان..... ۳۵

- ۳۵.....۱-۱-۲-آشنایی با استان خوزستان - موقعیت جغرافیایی.....
- ۳۵.....۲-۱-۲-آشنایی با استان خوزستان - پیشینه تاریخی.....
- ۳۶.....۳-۱-۲-آشنایی با شهر اهواز - موقعیت جغرافیایی.....
- ۳۶.....۴-۱-۲-آشنایی با شهر اهواز - پیشینه تاریخی.....
- ۳۸.....۵-۱-۲-آشنایی با شهر اهواز - نگاه شهری.....
- ۳۹.....۶-۱-۲-آشنایی با شهر اهواز - ویژگی های اقلیمی.....
- ۴۹.....۷-۱-۲-جمع بندی و نتیجه گیری.....
- ۵۰.....۲-۲-محدوده طرح.....
- ۵۰.....۱-۲-۲-آشنایی با دانشگاه جندی شاپور - پیشینه تاریخی.....
- ۵۰.....۲-۲-۲-آشنایی با دانشگاه جندی شاپور - پهنه آموزشی.....
- ۵۱.....۳-۲-۲-آشنایی با دانشگاه جندی شاپور - دانشگاه و شهر.....
- ۵۲.....۴-۲-۲-آشنایی با دانشگاه جندی شاپور - نگاه کالی.....
- ۵۳.....۵-۲-۲-آشنایی با محدوده طرح کیفیات.....
- ۵۳.....۶-۲-۲-آشنایی با شبکه ه-کیامت کالبدی.....
- ۵۳.....۷-۲-۲-آشنایی با دانشکده - برنامه ریزی فیزیکی فعالیت ها و فضاهای دانشکده.....

۵۴.....۳- طرح پروژه.....

EVALUATION  
VALUTAZIONE  
EVALUATION  
EVALUACIÓN  
EVALUATION

## موضوع پژوهش

آموزش معماری در منطقه خوزستان بسیار نوپا و جوان است و سابقه آن به ۵ سال اخیر معطوف می شود. افزایش روزانه تعداد دانشکده های معماری در استان که تنها دانشجویان را در مقاطع کاردانی یا کارشناسی نا پیوسته معماری پرورش می دهند، همچنین عدم کیفیت مطلوب آموزش و محیط های آموزشی، پراکندگی و بی هدفی در شیوه آموزش، دست به کار شدن اساتید جوان و کم تجربه و کمیت رو به افزایش دانشجویان معماری همگی بر این امر صحنه می گذارند که متأسفانه سیاستگزاری آموزش معماری در این منطقه بر پایه کمیت آموزش می باشد و نه کیفیت و بیشتر به تامین نیروی انسانی مورد نیاز بدون ایجاد سیستمی پیوسته و آموزشی پویا می پردازد.

نبودن سیستم آکادمیک پویا و منعطف و همگرا در رشته معماری باعث شده تا حرفه نیز دستخوش عدم کیفیت شده و نبود سیستمی آکادمیک که فعالیتهای حرفه ای را هم به چالش بکشد باعث شده تا نظام حرفه ای در این منطقه دست به تجربیات پراکنده و آشفته زده و محیط را هم دستخوش فقدان آموزش کیفی معماری کند.

در حال حاضر در اهواز به عنوان مرکز استان، آموزش معماری در مقطع کاردانی در دانشگاه آزاد اسلامی و در مقطع کارشناسی و کارشناسی نا پیوسته در موسسه جهاد دانشگاهی انجام می شود. آموزش معماری در این دانشگاهها در حالی انجام می شود که هم کیفیت آموزش بسیار پایین است. چرا که آموزش معماری در اینها جزئی از یک ساختمان با کاربری چند منظوره برای رشته های مختلف دانشگاهی است و به دانشجوی معماری همانطور آموزش داده می شود که دانشجوی سازه می آموزد. لذا فضای آموزش، محیط و امکانات آن انگیزهای آموختن را در دانشجوی معماری به حد آموختن یک دانش یک بعدی و خطی محدود می کند و از آنجا که محیط و سیستم آموزش عرفی معماری به عنوان فرا رشته ای که باید آن گسترده تر از کتب و آزمون های کلاسی است برای دانشجو ندارند انگیزه ای هم برای آنها در بگیری آموزش بی واد نمی آورند.

دانشگاه جندی شاپور از سال جاری تصمیم به جذب دانشجو برای آموزش در رشته معماری دارد لذا طراحی یک دانشکده معماری لازم می نماید. از طرفی دوره آموزش و همچنین محیط آموزش تاثیر بسزایی بر هم دارند لذا در این پژوهش بر آن شدیم تا با نگاهی به موضوع پرورش پاره تری وابسته آن به طراحی دانشکده معماری دانشگاه جندی شاپور در اهواز بپردازیم.

از طراحی "دانشکده معماری دانشگاه جندی شاپور در اهواز" به عنوان یکی از آموزش معماری، شهر اهواز به عنوان بستر اصلی کار و دانشگاه جندی شاپور به عنوان محدوده طرح وابسته می باشد. در این پژوهش ابتدا به مولفه های آموزش معماری و به تاثیر آنها در اختیار طراحی می پردازیم، سپس به نظر گرفتن خصوصیات بستر طرح از لحاظ کلیه عوامل کمی و کیفی به طراحی دانشکده معماری پرداخته ایم.

## ۱- آموزش معماری

مطالعه تاریخچه تغییرات در فرایند آموزش معماری می‌تواند رابطه بین نیازها و رویدادهای تاریخی را با روش‌های آموزشی مشخص سازد و در این راستا گونه‌ای از تلاش‌ها و نتایج آنها روشن می‌شود. آنچه در این میان می‌تواند مهم باشد نتایج و محصولات نهایی و نحوه اثربخشی آنها بر جامعه است که می‌تواند اتخاذ روش‌های بعدی آموزشی را با استدلالات متکی بر تجربیات قبلی همراه نماید. (نمازیان، ۸۷، ۷۷)

### ۱-۱- آموزش معماری در ایران

#### ۱-۱-۱- سیر تحول آموزش معماری در ایران

وجود حکومت‌های مستبد، حکام و پادشاهان خودرأی و غالباً ستیزه‌جو و فقدان خاندان‌های قدرتمند اشرافی و نبود نهادها و نیروهای مردمی توانمندی که در برابر نیروی پادشاه یا حاکمان مستبد در مقیاسی حتی محدود بتوانند مقاومت کنند، موجب شد که معماران و هنرمندان برجسته ایرانی نتوانند از حمایت کافی دائمی خاندان‌های علما، اعیان و رجال برخوردار باشند و در نتیجه با تغییر پادشاهان یا حاکم و دگرگونی سلسله‌های حاکم، موقعیت آنان دگرگون و غالباً این دگرگونی‌ها مانع از تکامل اندیشه‌ها و نظریه‌های معماری می‌شدند. شکست‌گیر، مدارس و آموزشگاه‌ها و نهادهای هنری و معماری را می‌توان یکی از آثار زیان‌بار حکومت‌های مستبد و پادشاهان نالایقی دانست که غالباً بیش‌تر به منافع و قدرت شخصی خود می‌انگشاید. در مورد هنرمندان نیز تا جایی که برای توسعه، منزلت و قدرت آنان سودمند بود، حمایت می‌کردند. به همین دلیل تجربیات دانشمندان و نظریه‌ها به‌طور کلی به‌طور مناسب و آکادمیک گردآوری، تدوین و توسعه نیافت و ادبیات و فرهنگ معماری ایرانی از لحاظ منابع و آثار مدرن ضعیف باقی ماند. (سلطان زاده، ۸۷، ۳) این ضعف درونی بدین آثر در عرصه‌های فرهنگ و هنر کشور در دوره قاجار موجب شد که شیفتگی پدید آمده نسبت به فرهنگ غربی سبب کمی‌رذاری، انزاد در بسیاری از حوزه‌های هنر و معماری ایرانی شود و هنگامی که در دوره پهلوی، معماری مدرن از طریق برخی از معماران فارغ‌التحصیل از کشورهای اروپایی و نیز از طریق دانشکده هنرهای زیبا به تدریج توسعه یافت، به نظر می‌رسد هیچ معمار ایرانی نظریه‌پرداز یا آگاه به تئوری‌ها و جنبش‌های هنر و معماری غربی نبود که بتواند نوعی جنبش یا جریان درون‌زایی توسعه معماری ایرانی پدید آورد و یا شکل دهد. (همان، ۳)

#### ❖ تاسیس مدارس حرفه‌ای معماری در ایران

اولین مدارس حرفه‌ای ایران در عهد اصری شکل گرفت. این مدارس با الگوبرداری از مدارس اروپایی جایگزین مکتبخانه‌ها شدند. توجه به آموزش معماری نیز به صورت بسیار ابتدایی از مدرسه دارالفنون آغاز شد که در رشته مهندسی سیویل، درسی با عنوان معماری به محصلان می‌آموختند. سپس نخستین مرتبه، رشته مهندسی معماری در سال ۱۳۰۶

شمسی در دارالفنون تأسیس و پس از حدود یکسال و نیم به علت کمبود بودجه تعطیل شد، اما بعد از چند سال دوباره مدرسه مهندسی در دارالفنون ایجاد شد. پس از مدتی، شعبه مهندسی و معماری در مدرسه هنرهای زیبا که زیر نظر اداره صنعت بود، تأسیس شد، اما پس از مدتی با تقسیم اداره صنعت، کلاس‌های مهندسی و معماری از اداره هنرهای زیبا به هنرسرای عالی منتقل شد. شکل‌گیری برخی از مدارس عالی هنری مانند مدرسه صنایع مستظرفه (تأسیس در ۱۳۳۹ قمری/۱۲۸۹ شمسی)، مدرسه موسیقی و هنرهای عالی هنرهای زیبا را می‌توان از بنیان‌های شکل‌گیری دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران به شمار آورد. دانشکده هنرهای زیبا در مهرماه سال ۱۳۱۹ به دستور مرحوم اسماعیل مرآتف وزیر فرهنگ وقت، با سه شعبه معماری، نقاشی و مجسمه‌سازی در محل دبیرستان مروی (مدرسه خان مروی) تأسیس شد و پس از مدتی به محل دانشگاه تهران منتقل شد. (سلطان‌زاده، ۸۷، ۵)

در تأسیس مدارس معماری که در زمان پهلوی شکل گرفت بیش از همه معماران از فرنگ برگشته نقش داشتند. این معماران همان الگوی بوزاری را در مدارس ایران به کار گرفتند. دانشکده هنرهای زیبای تهران توسط افرادی چون آندره گدار فرانسوی و یا محسن فروغی از فرنگ برگشته اداره می‌شد و لذا رسوخ این شیوه آموزشی در آن زمان کاملاً موجه بود. (سلطان‌زاده، ۸۷، ۳)

گرچه غرب‌گرایی در حوزه‌های فنی، مهندسی و بسیاری از زمینه‌های علمی آغاز شد، اما در هنر و معماری، به همراه ادوات، ما عرصه‌های فرهنگی و آیینی موجب نوعی حساسیت در فرایند تحول فرهنگی شد. شیفتگی به فرهنگ و هنر غرب که از دوره قاجار آغاز شده بود، به نوعی علاقه‌مندی، تقلید و پیروی در بسیاری از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و هنری منجر شد که توجه به معماری نئوکلاسیک و سپس معماری مدرن، یکی از پیامدهای آن بود. (همان، ۳)

معماری مدرن و به طور گسترده‌تر، میان بیان‌کننده غرب‌گرایی در دهه ۴۰ کمابیش جذابیت خود را حداقل برای بسیاری از معماران و روشنفکران و مردم از دست داد و در عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگون اجتماعی، هنری و حرفه‌ای نوعی واکنش‌های اعتراض‌آمیز نسبت به غرب‌گرایی فرهنگی پدید آمد و بحث هویت ایرانی و فرهنگی ایرانی و اسلامی نه تنها در معماری و سایر هنرها بلکه در ادب، عرصه‌های فقهی و اجتماعی مطرح گردید. پس از انقلاب نیز موضوع هویت در معماری بارها از سوی مأموران عالی‌رتبه مطرح شد و پیرایش طرح‌هایی در این زمینه ارائه شده است اما هنوز به نظر می‌رسد این مسئله به صورت نظری و آکادمیک و به شکلی جامع مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. (همان، ۳)

تا اواخر دهه ۵۰، سه مرکز مهم آموزش معماری (دانشکده هنرهای زیبا، دانشکده معماری و شهرسازی، معماری دانشگاه علم و صنعت) وجود داشت که تفاهتی در نگرش‌های معماری در آنها بود، پس از انقلاب برنامه کمابیش واحدی برای همه مراکز آموزش معماری در نظر گرفته شد که موجب گردید در همه دانشگاه‌ها به صورتی کمابیش یکسان و با نگرشی تقریباً واحد به معماری درگیریت‌شده، البته در درازمدت، اخیراً در چند مرکز آموزش معماری نگرش‌های خاصی به معماری مطرح شده، اما هنوز تنوع و عمق کافی براساس نیازهای امروز حاصل نشده است. در ضمن پدیده جالب توجه این است که هنوز پس از هفتاد سال، سایه نگرش زبانشناسی و بزرگ‌سازانه در بسیاری از مراکز آموزش معماری در کشور وجود دارد. (همان، ۳)

از شروع آموزش دانشگاهی معماری در ایران حدود هفتاد سال می‌گذرد. دوران اولیه شکل‌گیری ساختار این نوع آموزش بطور کامل تحت‌تأثیر تحولات جهانی بوده است. در چهل سال اول و تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی،

گرایش‌های گوناگون در سه دانشکده معماری آن روز ایران (دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) و دانشگاه علم و صنعت ایران) ساختارهای آموزشی متفاوت را به وجود آورد که اهداف متفاوتی را دنبال می‌کردند. طراحی مقاطع آموزشی (کارشناسی و کارشناسی ارشد پیوسته) نیز با این اهداف هماهنگ بود. در یک سوی طیف، کارشناسی ارشد پیوسته معماری در دانشگاه تهران در کنار رشته‌های هنری دانشکده هنرهای زیبا، آموزش طراحی - محور و هماهنگ با تحولات هنری روز دنیا را دنبال می‌کرد، در سوی دیگر رشته کارشناسی معماری در دانشگاه علم و صنعت ایران در کنار رشته‌های فنی، به آموزش اجرا- محور و پرورش نیروهای متخصص آماده کار در کارگاه معماری و کنترل جنبه‌های فنی معماری می‌پرداخت. در میانه طیف رشته معماری دانشگاه ملی آن زمان برای نوع آموزش محیط - محور و متکی به دریافت‌های محیطی و کاربرد آن در آموزش طراحی بوجود آمد. (عینی‌فر، ۹۳، ۸۷)

## ۱-۱-۲- نقد آموزش کنونی معماری در ایران

با مروری کوتاه در سامانه کنونی آموزش معماری در ایران و با مقابله کردن با سامانه آموزش معماری در بعضی از کشورها می‌توان به سادگی به ضعف و ناقص بودن آن سامانه دست برد. ناگفته نماند، علل ضعف و نقصان در این سامانه بدین شرح است:

• **وجه به کسب آموزش بی‌نهایت به کیفیت آن:** گسترش و زافزون دانشکده‌ها، مدارس و مراکز در ایران بی‌عنایت به بحران موجود در آموزش معماری است. در سیستم آموزش معماری در ایران تلاش در افزایش کمیت‌ها باعث نادیده گرفتن کیفیت آموزشی شده است. این مدرسه‌ها در فقدان راه و رسمی مدون و مؤید برای آموزش دروس، دست به تجربه‌های پراکنده و تکرار و بازسازی برنامه‌های دهه‌های قبل می‌زنند. برنامه‌هایی که بسیاری از آنها میراث آموزشی نوروزی، وزارت بهوش در ایران است، لذا در حل ناهنجاری‌ها از مشکلات اساسی در این زمینه، افزایش بی‌رویه دانشکده‌ها، مراکز و تعداد دانش‌آموزان، در رشته‌ها، در تمامی مقاطع تحصیلی است. که تضمینی برای خروج با کیفیت آنها از دانشگاه وجود ندارد. (حجت، ۸۳، ۲۵)

❖ **عدم تعامل استاد (شاگرد):** عدم تعامل آموزش در اولیه‌ها، آموزش یک‌سویه استاد محور، انباشت داده‌ها و انتقال یک طرفه آن به دانش‌آموزان در سال‌ها، نتوانست تعصیب تعداد محدود مدرسان نام آشنا و دست به کار شدن استادان جوان و کم تجربه در دانشکده‌های نوپا، باعث شده تا آموزش معماری بیش از پیش ارزش و اعتبار علمی خود را از دست دهد. (هنر، ۱۰، ۱) آنچه که کمازی در این زمینه، دوره‌های تحصیلی دانشکده‌های معماری را به سمت تکرار کار و مطالب دیگران، تلیل سطحی، ناسازگاری و در نتیجه، جهت ناهماهنگی داد. (عینی‌فر، ۹۳، ۸۷)

❖ **عدم ثبت تجربه‌ها:** ثبت نشدن و بر باد رفتن تجربه‌های هر ساله در دروس و ضرورت ماندگاری منابع مکتوب و مدون از فعالیت‌های آموزشی در جهت توسعه اصلاح، نهاد و تعمیم آنها از دیگر موارد مهم آموزش معماری در ایران است که نادیده گرفته شده است. (حجت، ۸۳، ۲۵)

❖ **نبودن هدف در آموزش معماری:** هر رشته دانشگاهی به صورت بنیادی باید براساس اهداف و نیازهای مشخصی شکل گیرد تا توانایی ملی آن متخصصان و افرادی را آموزش دهد و تربیت کرد که بخشی از نیازهای جامعه را برآورده سازد. امروز در تجربه هیئت‌الکلیتی که بتواند آسایش‌بخش کرد وجود ندارد و هرکس به زعم خود بهترین کار ممکن را انجام می‌دهد. (فروری، ۷۵، ۲۲)

❖ **برنامه یکسان برای گرایش‌های متفاوت معماری:** مراکز آموزش معماری در کشورهای پیشرفته غالباً متناسب با اهداف آموزشی و نوع نگرشی که به معماری دارند، نوع و محتوای دروس را برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا می‌کنند و

دانشجویان غالباً به صورت آگاهانه دانشکده و نوع گرایش معماری خود را انتخاب می‌کنند و در طول تحصیل با آن نگرش آموزش می‌بینند، در حالی که در ایران با وجود آن که مراکز با سابقه و بزرگ آموزش معماری ظاهراً براساس یک برنامه مشخص که از ابتدا داشته‌اند در محیط دانشگاه در کنار برخی از رشته‌های هنری یا فنی جای گرفته‌اند اما از یک سو به سبب نبود اهداف و برنامه‌های مشخص آموزشی و از سوی دیگر به سبب وجود سرفصل‌های مشترک درسی و نیز نبود نیروی انسانی کارآمد، کافی و منسجم، همه در عمل کمابیش به یک گونه عمل می‌کنند و تفاوت‌ها و تمایزها غالباً جنبه سلیقه‌ای دارد. (سلطان‌زاده، ۸۷، ۳۴)

❖ **تغییر مقاطع تحصیلی:** در حال حاضر سیاست آموزش عالی ایران مبتنی بر تربیت نیروهایی است که سطوح و نیازهای مختلف جامعه را در رشته معماری پوشش دهند. لذا با تغییر مقاطع تحصیلی و تأسیس دوره‌های کاردانی معماری، کارشناسی ناپیوسته و همچنین تبدیل دوره کارشناسی ارشد پیوسته به کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته اقدام به جذب دانشجو کرده است.

تعریف مقاطع کاردانی و سپس کارشناسی ناپیوسته و نحوه گزینش آن‌ها در مقاطع بالاتر نشان از ضعف و کاستی‌هایی دارد که در کنار عوامل دیگری نظیر امکانات نامناسب، کمبود اساتید مجرب، می‌تواند در سالهای آتی به بحرانی در جامعه آموزشی و حرفه‌ای معماری کشور منبجما (ناز، مجاهدزاده: ۸۷) از آن جا که سرفصل دروس در مقطع کاردانی بیشتر به دروس فنی ساختمان مایم است برتری زمانی در حد فاصله سطح کاردانی و کارشناسی هم مانده به جو آمدن سلیقه و دیدی پیوسته در دانشجویان می‌شود، لذا آنها بیشتر در قالب ناسم کنندگان نقشه‌های فنی ساختمان تربیت شده و با ابعاد گسترده معماری مخصوصاً بعد هنری و تکنیکی آن کمتر آشنا میشوند، و این امر نه تنها باعث کمک به جامعه حرفه‌ای نمی‌شوند بلکه با توجه به عدم سیاست‌گذاری‌های صحیح و عدم تفکیک وظایف و سلسله مراتب حرفه‌ای باعث هرج و مرج و حضور افرادی که به عنوان نقشه کش و تکنسین فنی ساخته‌اند نسبت شده‌اند. از طرفی اجرای برنامه آموزشی یکسان و مشترک بدون توجه به تغییر نیازها در سطح کشور و منطق یکی از بزرگترین عوامل در بروز مسائل آموزش معماری و عدم تامین نیازهای جامعه از طرف این سیستم شده است.

❖ **عدم وجود شیوه‌های آموزش و پژوهش:** آموزش در مدارس دپروزمعماری ایران آموزشی همگرا، در شرایط تعیین و بر ۳ گونه بوده است. آموزش سنتی، آموزش استرگرا، آموزش ایدئولوژیک. ما در روزگار جدید دیگر نه جامعه آن جامعه همگرا و هم‌اندیش و نه معماری آن صنعت متعین و پاینده و نه استاد آن استاد جامع‌الشرایط و داننده و نه شاگرد آن شاگرد معیج پذیرند. آموزش معماری به رانش همگرا در جامعه غیرسنتی و با روح کثرت‌گرایی دنیای امروز امکان پذیر نمی‌باشد. نگاه به گذشته‌های معماری اقبالی، تکرار الگوهای گذشته) و گاه به گونه‌ای معماری التقاطی (مثلاً مسکن جمعی با حیاط مرکزی چند طبقه) منجر می‌گردد که فاقد و یا ناقص مطلوبیت‌های معماری سنتی است و در پاسخ‌گویی به نیازهای نو، محدودیت‌های روز چهارمشکل می‌گردد. (حجت، ۵۰، ۸۱)

آموزش در مدارس معماری ایران، آموزش واکا در شرایط عدم یکپارچگی است، که محصول و بازتاب تفکر کثرت‌گرایی دوران پست مدرن غرب در ایران است، معماری پست مدرن، نشانه‌ای بود از پایان عصر ایدئولوژی، عصر متن و عصر هم‌گرایی. هم‌کنون در مدارس معماری ایران، دو گونه آموزش واگرا را تجربه می‌شود که محصول نو برآشت متفاوت، از کثرت‌گرایی است. آموزش گرایش (هرکس با سلیقه خودش) و آموزش بس‌گرایش (همه کس با سلیقه روز). این شیوه‌ها تکاثر را یا در «توازی» اندیشه‌ها و یا در «توالی» آنها می‌بیند. هر چند که در این شیوه‌ها آزادی و مشاهده و مواجهه با طیف وسیعی از اندیشه‌ها و سلیقه‌ها به وسعت نظر شاگرد می‌انجامد، ولی محدود بودن دامنه اطلاعات و عمق معلومات و درک فلسفی او و نبودن مراجعی جهت هدایت

فکری- فلسفی باعث می‌گردد که شاگرد معماری به ویژه در سالهای پایانی تحصیل و در آغاز کار حرفه‌ای در حالت تعلیق و سرگشتگی یا دل‌بستگی و دلزدگی نسبت به سبک‌ها و شیوه‌های تفکر و طراحی معماری قرار گیرد و عموماً با درکی ناقص از فلسفه‌های پشتیبان آنها تربیت و وارد بازار کار شوند. محصول این شیوه معماری سرگردان و طیف وسیعی از بناهای التقاطی، بی‌هدف و بی‌هویت، و شهرهایی هزار چهره است که در آن هر بنایی به سلیقه‌ای شکل گرفته است. (همان، ۵۰)

### ۱-۱-۳- جمع بندی و نتیجه گیری

امروز مدارس معماری در ایران میان مکتب‌داری و بی‌مکتبی، الگوداری و بی‌الگویی، قطعیت و عدم قطعیت، تعین و عدم تعین و هم‌گرایی و واگرایی سرگردان است. امروزه شیوه‌های رایج آموزش معماری در ایران هیچ یک «حرفی از جنس زمان» ندارند و بین بیگانه‌گرایی و گذشته‌گرایی و هیچ‌گرایی سرگردانند. (همان، ۵۰)

امروز هر کسی معماری را با نگاه خود می‌بیند، با معیار خود می‌سنجد و با سلیقه خود می‌سازد و نه تنها بین استادان مدرسه تالیفی یک‌مانند معماری وجود ندارد، بلکه آنان امروز نیز به‌اندازه پذیرای نظر و سلیقه دانش‌آموزان و دانشجویان کارآموز و پیش‌دانش‌آموزان مدرسه معماری نمی‌توانند «معماری» بسازند، آن‌چنانکه «بوا» و «باها سر» می‌ساختند. امروز مدرسه معماری باید «معمار» بسازد. به بیان دیگر مدرسه باید به جای آموزش معماری، در اندیشه تربیت معمار باشد و شاگرد را به «توانش» و «دانش» و «بینش» مجهز نماید و دانشگاه باید به جای ارائه «سرفصل»ها و «شرح درس»ها در اندیشه شیوه‌ها و راه‌کارهای پرورشی و تربیتی کارآمد برای مدرسه‌های روزافزون معماری باشند. (حجت، ۸۲، ۶۳)



برای دستیابی به کارایی در آموزش معماری و سازگاری آن با عصر جدید نه تنها در غرب بلکه در تمامی جهان می‌بایست به چگونگی شکل‌گیری مدارس معماری، پایه و اساس شکل‌گیری آنها، گرایش‌های ارائه شده توسط آنان و مهم‌تر از همه مؤلفه‌های عصر اطلاعات و جهش سوم در عرصه معماری توجه اکید داشت. در نتیجه برای دستیابی به یک نظام مناسب با این عصر برای آموزش معماری و حل مسائل و مشکلات آن می‌بایست در ابتدا با شیوه‌های نوین آشنا شد و مؤلفه‌های آن را آموخت و سپس به طراحی نظامی سازگار و مناسب آن پرداخت. لذا فرصت را غنیمت شمرده و به بررسی نمونه‌هایی از شیوه‌های آموزش معماری در مدارس معماری خارج از ایران می‌پردازیم.

## ۱-۲- آموزش معماری در غرب

### ۱-۱- سیر تاریخی تحول آموزش معماری در غرب

چنانچه به تاریخ آموزش معماری در جهان غرب نظری بیفکنیم، خواهیم دید که علیرغم سرشت کاربردی حرفه معماری، در اواخر قرن اول پیش از میلاد، تحصیلات معمار به حیثه نظری معماری تعلق داشته است. (عزیزی، ۸۳، ۸۷)

○ **قرن بیستم** - علیرغم آنکه مدرسه به‌عنوان پایه‌ای از تلفیق چندین هنرکده تشکیل شده و ارتباط آموزش معماری با رشته‌هایی مانند نقاشی و مجسمه‌سازی در نظام آن نهادینه شده بود، با این حال رویکرد این مدرسه را می‌توان به نفعی نخستین برآمد جزئی‌نگر در تاریخ آموزش معماری دانست. در نتیجه عملکرد این مدرسه پاسخگوی مایه فرارتهای معماری نبود و این حرکت جزئی‌نگر تا تأسیس مدرسه باووهائوس در سال ۱۹۱۹، پس از جنگ جهانی اول به عنوان نخستین تأویل کلی نگر از معماری ادامه داشت. به نظر بنیانگذاران باووهائوس محصول خلافتانه معماری در سده نوزدهم میلادی که ملگراست، در بایست پاسخگوی نیازهای متعدد فیزیکی، اجتماعی، فناورانه و هنری باشد که این نگرانی خودنویس معماری محسوس، در خور فرارشته‌ای چون معماری است. (همان، ۸۳)

اشاره به این نکته حائز اهمیت است که علیرغم کوشش‌های بسیار از معماران مدرن اولیه در توجه به ماهیت فرارشته‌ای معماری در دست‌آورد کاتب در معماران، واپسینی چون جنگ جهانی اول، بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اروپا و مصادف شدن این اتفاقات با اظهارنظر فردی هانس میر، مدیر مدرسه باووهائوس که معماری را «کارکرد عصر را اقتصاد» تعریف کرد، جهت معماران مدرن به عبارتی آموزش آن در اروپا دگرگون شد و در این مقطع بود که فصل‌بندی از روی و آموزش در ایالات متحده آمریکا با مهاجرت معماران سرشناس به آنجا شکل گرفت. (همان، ۸۳) دانشکده‌های معماری آمریکا غالباً در دهه‌های ابتدای قرن بیستم شکل گرفتند و تا جنگ جهانی اول تحت‌تأثیر مدل‌های اروپایی بودند ولی بعد از آن شخصیت خاص خود را یافتند. این

دانشکده‌ها برخلاف دانشکده‌های معماری اروپا که به گونه‌ای سنتی تکیه بر جنبه‌های نظری داشتند، از چهره‌ای علمی- کاربردی برخوردار بودند. (همان، ۸۳)

در ابتدای قرن بیستم در بسیاری از رشته‌های دانشگاهی هم‌چنین در رشته معماری شاهد رشد و تغییرات بسیاری در سطوح متفاوتی شدیم که آنها را می‌توان در قالب سه دسته کلی تقسیم کرد که عبارتند از:

۱- توسعه برنامه‌های آموزشی برای پوشش نیازهای ۳- ایجاد رشته‌های وابسته مانند روان‌شناسی معماری متعدد جامعه (محیط) در راستای توجه به ماهیت فرارشته‌ای

معماری (همان، ۸۳)

۲- تنوع در آموزش معماری با تمرکز بر توجه به فرد

### هم‌چنین در قرن بیستم آموزش معماری چند نقطه عطف به شرح زیر داشته است:

- سال ۱۹۱۲: با عنایت به دروس متعدد و حوزه وسیعی که یک دانشجوی معماری می‌بایست آموزش ببیند، دانشگاه کولومبیا در دهه چهارم ساله به دوره پنج ساله تبدیل شد.
- سال ۱۹۴۴: تا پیش از دانشکده معماری در آمریکا، دوران با تأکید بر رشته‌های معماری با رشته‌های فزاینده فیزیکی و ریاضی در درجه اول رقابت آنان.
- سال ۱۹۴۸:

۱- دانشگاه هاروارد، سه حوزه معماری، طراحی محیط و طراحی شهری را در یک دانشکده متمرکز کرد که این مثلث مدل پایه غالب دانشکده‌های طراحی محیط قرار گرفت.

۲- عهده دار شدن مدیریت دانشگاه ایلی نویز توسط «پیس اندروه» برنامه‌های درسی ای با تأویل جزئی‌نگر که بر سه بخش تقسیم شده بود: ازارها، فضای داخلی.

- سال ۱۹۴۰: برنامه استنادی پنج ساله که منتهی به مدرک کارشناسی می‌شد، تقریباً توسط تمامی دانشکده‌ها اختیار شد.

○ دهه ۱۹۶۰: این دهه را می‌توان دهه طلایی آموزش معماری آمریکا دانست. هم‌چنین بسیاری از رویکردهای حال حاضر نیز پیش از آن زمان در دستبرد ریحیه فرارشته‌ای معماری و هم‌چنین کلیت‌نگری در آن رشته از جمله ویژگی‌های بارز مدل‌های پدیدمادی در این دهه است.

۱- اجرای برنامه «چهار به علاوه دو» برای گسترش برنامه آموزش حرفه‌ای در این برنامه طراحی محیط به عنوان پایه آموزش در نظر گرفته شد که به صورت یک برنامه چهار ساله دیده شده بود که با یک

برنامه دو ساله که به دور مشخص به عدوی تأکید داشت دنبال می‌شد.

۲- انتقال رشته معماری به مقصع کارشناسی ارشد، بدین ترتیب آموزش حرفه‌ای معماری از آن به بعد در بسیاری از دانشکده‌ها برای دانشجویانی که مدرک کارشناسی آنها حتی در رشته‌های بسیار متفاوت از معماری هتند، بلافاصله، بان، فزیک، سنجش، به عنوان تخصصیات تکمیلی ارائه شد. این رویکرد خود گواه گستره بسیار وسیع رشته‌های معماری است که تأکید بر ماهیت فرارشته‌ای آن دارد.

۳- ظهور پدیده‌ای با عنوان مراکز طراحی محله. این پدیده تأکید فراوانی بر مسئولیت اجتماعی معماران داشت. این مراکز کار خود را به صورت رایگان در زمینه کمک‌های معماری و برنامه‌ریزی با نیازهای

شهرها و جامعه انجام می‌دادند. با توسعه فعالیت این مراکز مفهوم کلینیک رایگان به سرعت تسری یافت. این کلینیک‌ها یا به عنوان بخشی از دانشگاه‌ها مشغول کار بودند و یا به عنوان مراکز جدا و مستقل ولی با هدایت اساتید دانشگاه فعالیت می‌کردند. (همان، ۸۳)

### ❖ شیوه‌های رایج آموزش معماری در دنیای امروز

آقای مهندس داراب دیبا روشهای رایج آموزش معماری در دنیای امروز را در کل به ۵ گروه به شرح زیر بیان می‌کنند:

۱. شیوه آموزش دانشگاه بوزار یا هنرهای زیبای پاریس که در آن به جامعه‌شناسی و زندگی روزمره و دستاوردهای مردم توجه اندکی می‌شد ولی شاخصه اصلی آن اهمیت دادن به فرم‌های زیبا و هنری و متکی بر نظریات مدرنیسم و ریشه‌های آکادمیک رم و یونان باستان بود. (دیبا، ۸۷، ۴۷)
۲. شیوه متداول دانشگاه‌های پلی تکنیک که در آن‌ها معماری همراه با مهندسی تدریس می‌شود و با ساختمان و اجرای آن پیوندی عمیق دارد. در این سبک، آموزش هنری، مکمل اصول مهندسی است. (همان، ۴۷)
۳. در این شیوه آموزش معماری بر شهرنشینی، علوم انسانی، فلسفه، ادبیات و تاریخ استوار است. این شیوه بر پایه جامعه‌شناسی، اقتصاد، برنامه‌ریزی شهری استوار است. در واقع از این شرحه‌نویسی بهره‌گیری در معماری آموزش داده می‌شود و ارتباط و روابط بین انسان‌ها را برای معماران تحلیل می‌کنند. (همان، ۴۷)
۴. معماری رویکرد پیشرو و آوانگاردی که در آن مسأله و مسئله اهمیت زیادی دارد. آموزش در تئریات مکتب‌ها شکل پیشرو و متأثر از اشکال است، مثلاً از مسائلی جزئی پیرامون ما همچون مورفولوژی طبیعی برای ایده اولیه بهره می‌گیرد. این روش، معماری را مجموعه‌ای کاملاً پویا در نظر می‌گیرد و مخالف ساخت‌های معماری مکتبی شکل است. (همان، ۳۷)
۵. آموزش معماری در این شیوه متکی به واقع‌شناسی اجتماعی و بررسی امکانات ساخت و درآمدها، است. که عمدتاً در کشورهای در حال توسعه مثل هند، اندونزی، بنگلادش آموزش داده می‌شود. (همان، ۴۷)

## ۱-۲-۲- بررسی نمونه‌هایی از شیوه آموزش در دانشگاه‌های خارج از ایران

### ❖ مجتمع دانشگاهی پیتسبرگ، علم و هنر کپی‌یونیون

- معماری به مثابه رشته و نه نوعی حرفه: جان هیداک که از زمان همکاری‌اش با گروه پنج معمار، به عنوان معمار، معلم (یا معمار-پژوهشگر) است، گرفته بعد در زمان مدیریتش در مدرسه معماری کپی‌یونیون، آنجا را به پایگاهی برای همه آنچه در دیار روشنفکران به عنوان معماری زیبا و نه هنر تلافی‌جویی مبدل کرد. وی از نخستین معمارانی بود که تشخیص داد، شیوه‌های آموزشی و سنت معمول در باووهوس علی‌رغم کنار زدن شیوه‌های بوزاری، هنوز به همان اندازه دارای محدودیت است. وی، روشی را در تدریس پیش گرفت که بازتاب آن بیش‌تر به نوعی رشته می‌ماند تا نوعی حرفه (شاه‌چراغ، ۸۱، ۶۰)
- فرق این دو، در عین حال هم ظریف است و هم پراهمیت، حرفه آن چیزی است که می‌آموزیم و در واقع مهارتی است که از طریق تکرار بی‌دخالت تفکر به دست می‌آید. اما رشته چیزی است که مطالعه می‌کنیم و امری است برای رشد و دریافت شخصی یا عملکرد روشنفکرانه. (همان، ۶۵)

○ **تاکید بر همزیستی آموزش و پژوهش:** شالوده فلسفی این مدرسه را روابط پیچیده مبتنی بر همزیستی آموزش، پژوهش، مباحث نظری و عملی و همچنین طیف گسترده کوشش‌های خلاقانه مربوط به توسعه معماری هدفمند تشکیل می‌دهد. هدف اصلی سیستم آموزش در این مدرسه آن است که بتواند معمارانی را تربیت کند که دانش و مهارتشان براساس فهم ژرف و درستی از مسائل اجتماعی، زیبایی شناسی و تکنولوژی محیطی شکل گیرد. (همان، ۶۵)

○ **شهر همانند یک آزمایشگاه مطالعاتی بزرگ معماری و شهرسازی:** استقرار مدرسه معماری کوپریونیون در قلب شهر نیویورک، موجب می‌شود که دانشجویان معماری بتوانند در یک شهر جهانی، زندگی، کار و تحصیل کنند که از نظر سیستم آموزشی و فکری این مدرسه، شهر نیویورک همانند یک آزمایشگاه مطالعاتی بزرگ معماری و شهرسازی در برابر چشمان دانشجویان شبیه‌سازی شده است و فرصت‌های بسیار زیادی برای یادگیری و پژوهش در اختیار ایشان قرار می‌دهد. (همان، ۶۵)

○ **امکانات کالبدی:** در این مدرسه تلاش شده است تا فضای کار و تمرین مناسب برای تحصیل دانشجویان در اختیار ایشان قرار گیرد. بیش از هزار مترمربع، کارگاه برای اساتید، پیوسته معماری در نظر گرفته شده که این بودجه باعث می‌شود که دانشجویان بتوانند نسبت به فضا کار مخصص به خود داشته باشند. این که از مکانی و درایانه نرم‌بازارهای کامپیوتری بهره بردار است و یوهای معرری، کن‌ن و پیدر در پژوه ساده از ابزار ترسیم دوبعدی، سه بعدی، مدل‌سازی و ساخت انیمیشن (بصاویر متحرک) تحت نظارت اساتید انجام می‌شود و تمامی استودیوها مجهز به ابزار نمایش تصویر، اینترنت و شبکه داخلی هستند. در طول دوره آموزش معماری بر ارتباط میان معماری و دیگر رشته‌های خلاقانه تأکید می‌شود. دانشجویان تشویق می‌شوند که به قدرت و مهارت بیان خودشان (افکار و عیدسان، دانت باند، آن با ابزار گتارت و بصورت ابزار کنند). (همان، ۶۵)

همچنین در مدرسه معماری فنالیت‌های دانشجویان به صورت منظم در نمایشگاه‌هایی در معرض دید عموم قرار می‌گیرد و گزارش‌هایی از آنها پیوسته به چاپ می‌رسد. اساتید دانشکده معماری از میان معمارانی انتخاب می‌شوند که در مسابقات بین‌المللی آمریکا و تهران، تبه‌های را کسب کرده باشند. (همان، ۶۵)

به این ترتیب ساختار برنامه آموزشی مدرسه معماری کوپریونیون بر اهداف این مدرسه در خصوص پرورش معمارانی با توانایی درک و فهم مسائل اجتماعی و انسانی و نیز مبالغ مسلط بر این ابزار و فناوری‌های محیطی، هم جهت است. این موضوع ابداءها و شوه‌های حاکم هاباک (مبتنی بر توجه به جاسس و علوم اجتماعی) نیز همسو است. (همان، ۶۵)

## ❖ آموزش معماری در آینده

○ معماری، مسیر همیگی اکتشاف و دریچه‌ان برای آید و تصاف و تمرکز دانش‌ده معماری بیل، طراحی معماری به عنوان فرایندی یکپارچه و خلاق است. وظیفه معماری ایجاد محیط‌های انسانی هم برای بیان ارزش‌ها و هم زمینه‌ای برای فعالیت، انداز است که از طریق فرآیند طراحی با وضعیت فیزیکی، فرهنگی و رفتاری فرم یافته و مرتبط می‌شود. هر محیط طبعاً هر میثاتی از زمان، رهم گایی برای آینده است. برای کسانی که این زمینه را انتخاب می‌کنند، معماری یک فرهنگ و یک تعهد و مسیر همیگی اکتشاف و دریچه‌ای برای آینده است. (ژاله، ۸۹، ۸۷)